

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفہ کاملہ سجادہ

حضرت امام علی بن الحسین علیہ السلام

مقدمہ و ترجمہ و شرح

آیت اللہ علامہ میرزا ابوالحسن شعرانی



سیرشناسه :	علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۲۸ - ۹۲ق.
عنوان قراردادی :	صحیفه سجاده، فارسی - عربی
عنوان و نام پدیدآور :	صحیفه کامله سجاده حضرت امام علی بن الحسین علیهما السلام / مقدمه و ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی.
مشخصات نشر :	نوران: آدینه سبز ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری :	۳۷۰ ص.
شابک :	۹۷۸-۹۶۲-۲۹۳۷-۶۱-۵
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
یادداشت :	فارسی - عربی
یادداشت :	چاپ قبلی: قائم‌المحمد: ۱۳۸۲.
موضوع :	دعاه
شناسه افزوده :	شعرانی، ابوالحسن، ۱۲۸۱-۱۲۵۲، مترجم، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره :	۱۳۸۸ ۲۰۲۱ ص ۱/۸۸ BPT/۱/۸۸
رده بندی دیویی :	۲۹۷/۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی :	۱۸۷۰۰۱۶



- نام کتاب: صحیفه کامله سجاده
- ترجمه و شرح: آیت الله علامه میرزا ابوالحسن شعرانی
- ناشر: آدینه سبز
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰
- تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
- چاپ: الهادی
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان
-

جميع حقوق برای انتشارات آدینه سبز محفوظ است.

■ مرکز پخش:

تلفن: ۰۹۱۲۵۰۱۰۰۹۵ - ۶۶۹۷۵۹۳۹ - ۴۰

فهرست مطالب

۶		مقدمه مترجم
۱۳		دعای ملحون و غیر مأثور
۱۴		سخن آیت الله مرعشی نجفی
۱۵		شروح و حواشی و کتب متعلقه به صحیفه
۱۷		اسناد صحیفه شریفه
۱۹		مقدمه صحیفه سجادیه
۳۲		۱. سپاس خدای تعالی و ستایش او
۴۲		۲. سپاسگزاری خداوند و درود بر رسول او ﷺ
۴۶		۳. درود بر حاملان عرش و هر فرشته مقرب
۵۴		۴. درود بر پیروان انبیا
۶۲		۵. دعا برای خود و بستگان
۶۶		۶. دعا هنگام صبح و شام
۷۸		۷. دعا هنگام رخ دادن حادثه غم انگیز یا پیش آمدی ناگوار
۸۴		۸. دعا در پناه بردن به خدا از خوی بد و کارهای نکوهیده
۸۸		۹. دعا در اشتیاق به درخواست آمرزش از خدا جلّ جلاله
۹۲		۱۰. دعا در پناه بردن به خدای تعالی
۹۶		۱۱. دعا در طلب عافیت

۱۲. دعا در اعتراف به گناه و طلب توبه از خدای تعالی ۱۰۰
۱۳. دعا در حاجت خواستن از خدای تعالی ۱۰۸
۱۴. دعا هنگام رسیدن ستمی یا ستم دیدن از ستمکاران ۱۱۶
۱۵. دعا هنگام بیماری یا اندوه بلیه ۱۲۲
۱۶. دعا برای آمرزش گناهان و طلب عفو از نواقص ۱۲۶
۱۷. دعا هنگام نام بردن از شیطان و پناه بردن به خدا از او و کید او ۱۳۸
۱۸. دعا هرگاه بلیه‌ای دفع یا حاجتی زود برآورد شود ۱۴۶
۱۹. دعا در طلب باران ۱۴۸
۲۰. دعا در خوی‌های نیکو و کردارهای پسندیده ۱۵۴
۲۱. دعا هنگام اندوه‌مگین شدن از پیش آمدی ناگوار و یاد گناه ۱۷۲
۲۲. دعا هنگام سختی و مشقت و دشواری کارها ۱۸۰
۲۳. دعا برای تندرستی و توفیق شکرگزاری ۱۹۰
۲۴. دعای برای پدر و مادر ۱۹۶
۲۵. دعا درباره فرزندان ۲۰۴
۲۶. دعا درباره همسایگان و بستگان ۲۱۲
۲۷. دعا برای مرزداران ۲۱۸
۲۸. دعا برای پناه بردن به خدا ۲۳۰
۲۹. دعا هنگام تنگ شدن روزی ۲۳۶
۳۰. دعا برای ادای دین ۲۳۸
۳۱. دعا در ذکر توبه و طلب آن از خدای تعالی ۲۴۲
۳۲. دعا پس از نماز شب و اعتراف به تقصیر ۲۵۸
۳۳. دعا در هنگام استخاره ۲۷۰
۳۴. دعا هنگام پیش آمدن بلا ۲۷۴

۲۷۶	 ۳۵. دعا در رضا به تقدیر الهی
۲۷۸	 ۳۶. دعا هنگام دید ابر و برق و شنیدن آواز رعد
۲۸۴	 ۳۷. دعا در اعتراف به تقصیر از ادای شکر
۲۹۰	 ۳۸. دعا در عذرخواهی از تبعات مردم و کوتاهی در ادای آن
۲۹۴	 ۳۹. دعا در طلب عفو و بخشایش
۳۰۰	 ۴۰. دعا هنگام شنیدن خبر مرگ کسی
۳۰۴	 ۴۱. دعا در طلب برده پوشی و حفظ
۳۰۶	 ۴۲. دعا پس از ختم قرآن
۳۲۰	 ۴۳. دعا هنگام دیدن ماه نو
۳۲۸	 ۴۴. دعا هنگام فرا رسیدن ماه رمضان
۳۴۰	 ۴۵. دعا در وداع ماه مبارک رمضان
۳۶۲	 ۴۶. دعا پس از نماز عید فطر و جمعه
۳۷۰	 ۴۷. دعا در روز عرفه
۴۱۴	 ۴۸. دعا در روز عید اضحی و روز جمعه
۴۲۸	 ۴۹. دعا در دفع کید دشمنان و آزار آنان
۴۳۶	 ۵۰. دعا در ترس از خدا
۴۴۲	 ۵۱. دعا در زاری و راز و نیاز
۴۵۰	 ۵۲. دعا در الحاق به خدای تعالی
۴۵۸	 ۵۳. دعا در تذلل برای خدای عزوجل
۴۶۲	 ۵۴. دعا در طلب رفع اندوه
۴۶۸	 سخنی درباره تعداد دعاهاى صحیفه سجادیه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

سپاس خداوند را که باب رحمت بگشود و راه طلب بنمود، در آینه دل‌ها جلوه کرد و از دریچه عقول پرتو افکند، عاشقان را به تکاپو انداخت، عقول را شیدا ساخت. همه طالب اویند و به سوی او در تک و پویند، سالک راهند و وصال او خواهند:

همه هستند سرگردان چو پرگار
پدید آرنده خود را طلبکار
راهنما فرستاد تا آفریدگان را سوی او خواند، شرایط و فرائض بنهاد و تهذیب نفوس تعلیم داد که: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»
دروود نامعدود بر او [پیامبر اکرم ﷺ] باد و بر آل اطهار که حامل اسرار اویند و اصحاب کبار که ناقل آثار او.

اما بعد، دعا محکم امان است و رابطه انسان با خداوند مٔان، هر که او را حاضر و ناظر داند، از مناجات با او روی نگرداند، و هر که قادر مختارش بیند، برای حوایج خویش وسیلتی جز او نگزیند، و آنکه او را شناسد از دیگران نهراسد. مهر و لطف او دل مؤمنان را آرامش بخشد، و بخشندگی او جان محبان را رامش دهد.

دوستان خدا از مکالمت با او لذت برند و از دمی غفلت، سال‌ها افسوس و حسرت خورند. ملامت و افسردگی در دعا، نشان ضلالت و دل مردگی است. بزرگان اولیا که عارف به اسرار قلوب بودند و از مشاهده جمال مطلوب محجوب نگشتند، با سوز و گداز، به درگاه بی‌نیاز روی آوردند و آن چه یافتنی بود یافتند، سخنان چاشنی بخششان غذای روح آدم و کلمات دلنشینان کلید فتوح گشت؛ چه، سخنان شیرین و کلمات دلنشین از غیر اهل دل صادر نشود و از غیر سالکان راه محبت میسر نگردد.



آن که شوری در دل ندارد، هر چه به تصنع بسازد و به تکلف پردازد، مانند کسی است که عاشقی نداند و سرود و غزل نوازد، یا باغ و گلستان را مشاهده نکرده، به وصف طراوت گل سخن آغازد.

ثنا و ستایش و دعا و نیایش، سیر شهودی است و کشف وجودی، راز و نیازی است میان مخلوق و خالق که غیر عاشق صادق بدان راه نیابد. دست بحث و جدل از دامن آن کوتاه است «و هو یدرک و لا یوصف» از این جهت آن چه از غیر ائمه دین مبین صلوات الله علیهم اجمعین یا از بزرگان و مشایخ عرفای اهل یقین که در سلوک پیروی ائمه علیهم السلام کردند روایت شده است، آن لطف و طراوت و چاشنی و حلاوت که گفتار آنان دارد، ندارد.

جماعتی از علمای ما در شرایط و احکام و قواعد و نتایج دعا، کتاب مستقل تألیف کردند و علمی مستقل تدوین نمودند و در اسرار و دقائق آن، به ادله عقلی و نقلی تمسک کردند، و راستی باید چنان کرد.

طلاب علوم دینی که عمر خود را در اصول دین و فروع و مقدمات آن صرف می کنند، شایسته است چندی هم به علم دعا پردازند، و یکی از بهترین کتب این علم را به دقت و تعمق نزد استاد بخوانند و اصول آن را به طور علمی فراگیرند، و آن را دون شأن خود شمارند. مثلاً کتاب «عمدة الداعی» تألیف فقیه متبحر محقق، احمد بن فهد حلی که دانستن مضامین آن یقیناً از بسیاری مباحث متداوله مفیدتر است. در آن کتاب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است: «الخشية میراث العلم و العلم شعاع المعرفة و قلب الايمان و من حرم الخشية لا یكون عالماً» آن که از ترس خدا محروم باشد عالم نیست.

و هم در آن کتاب است که خداوند به داود علیه السلام وحی فرستاد: هر بنده‌ای که به علم خود عمل نکند، از میان هفتاد گونه عقوبت باطنی که به او چشاند کمترینش آن بود که لذت مناجات را از دل او بیرون برم.

و خود ابن فهد گوید: علم عبارت از حفظ مسائل و تقریر بحث و دلائل نیست، بلکه علم آن است که به ترس بنده از خدای بیفزاید و او را در کار

آخرت چابک سازد و در تحصیل لذا یذ دنیا بی رغبت گرداند، و از این روایات معلوم شد که علم بی عبادت ممکن نباشد.

در حالات ابوعلی سینا آورده اند که چون مسئله ای بر وی مشکل می شد، به اعتکاف و دعا توسل می جست و حل آن را از خدا می خواست که به او الهام فرماید.

و هم در کتاب *عدة الداعی* در ترغیب به دعا گوید: هم عقل را الزام فرماید و هم نقل. اما عقل، چون دفع ضرر محتمل واجب است و به دعا این مقصود حاصل شود. و نقل چون در قرآن کریم بدان امر شده است و ترک آن را استکبار نامیده و بر آن تخویف کرده است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» و نیز فرمود: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» و دیگری در وجوب ذکر بدین آیت احتجاج فرموده: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ» و نیز «وَمَنْ يَفْشَ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقْضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ».

حکمای الهی در سر استجاب دعا تحقیقات دارند و چنان که جهال پندارند آن را مخالف سنت جاریه الهی ندانند و دعا را از اسباب مؤثره خارج شمارند. شیخ الرئيس ابوعلی بن سینا در اواخر «*شارات*» گوید: شاید تو را از عارفان خبری رسد بر خلاف عادت و آن را تکذیب کنی، چنان که گویند: عارفی برای مردم [نماز] استسقا کرد و باران آمد، یا از خدا شفا خواست و شفا یافتند، یا بر آنها نفرین کرد، به زمین فرو رفتند، یا گرفتار زلزله شدند، یا به سبب دیگر هلاک گشتند، یا برای آنها دعا کرد، مرض عام و مرگ و سیل و طوفان از آنها دفع شد، یا حیوان درنده ای رام آنها گشت، یا مرغی از ایشان نرمید و مانند اینها که نمی توان همه را انکار کرد. پس توقف کن در تکذیب و

شتاب منماید که امثال این را در اسرار طبیعت اسبابی است و شاید من بتوانم چیزی از آن برای تو بیان کنم. (انتهی)

پس ای خواننده عزیز! هر که هستی مبدا به تقلید از جهال، مقام ولایت بزرگان را انکار کنی و تصرف آن را در ماده کائنات از خرافات شماری و امامت را بر صفحه قلب ائمه دین علیهم السلام چون نقش عرضی پنداری که هر چه از راه گوش فرا گرفتند، از حفظ کردند و به یاد داشتند، بلکه چنان دان که روح ولایت با نفوس آنان در آمیخته است و آنها ذاتاً فوق نفوس سایر افراد بشرند. چنان که ارسطو و ابوعلی سینا در عقل و امرؤ القیس و سعدی در ذوق و طبع ذاتاً از دیگران ممتاز بودند، همچنان انبیا و اولیا به روح ولایت که عبارت از رابطه و اتصال میان آنان و خالق است، به تصرف در موجودات قادر گشتند، به دعا و توجه و بحول الله و قوته، چنان که فرمود: «و تُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأُبْرَصَ بِإِذْنِي وَ تُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِي» نسبت ابراء و احیاء به عیسی علیه السلام داد، نه از خود او، بلکه به اذن پروردگار.

رابطه میان همه مردم و خداوند هست، اما نه چندان که همه گونه تصرف کنند، بلکه هر کس به قدر همت خویش و حسن ظن به خداوند و قوت اعتقاد و شدت توجه، حاجت، از خدای خواهد، خداوند حاجت او را بر آورد. فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دگران هم بکنند آن چه مسیحی می کرد
آن مرد بدگمان و سست اعتقاد که توجهی به رابطه با حق ندارد، از خدای چیزی نمی خواهد تا مستجاب گردد، و سالبه به انتقاء موضوع است.

در انجیل آمده است که عیسی به حواریون گفت: اگر از روی اعتقاد از خدای بخواهید، توانید این کوه ها را از جای برکنید. در حدیث سیف بن عمیره است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: چون خدا را خوانی به دل روی بدو کن و هم ابن فهد رحمته الله از آن حضرت روایت کند: هر که خواهد منزلت

خویش را نزد خدای داند. بنگرد که منزلت خدای تعالی نزد او چگونه است، که خدای تعالی بنده را بدان منزلت قرار می دهد که بنده خدای را.

و هم در آن کتاب است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام: هر که آرزوی چیزی کند و خداوند بدان راضی باشد، از این جهان بیرون نرود تا آرزوی او برآید. و نیز فرمود: چون دعا کنی، حاجت خود را بر در آماده بین. و از عثمان بن عیسی روایت کند که به آن حضرت گفت: دو آیت در قرآن است که هر چه جستم حقیقت آن را دریافتم، فرمود، آن دو چیست؟ گفت: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» او را خواندیم و اجابت ندیدیم، فرمود: آیا پنداری که خداوند خلف وعده کند؟ گفتم: نی، فرمود: پس از چه جهت اجابت نکند؟ گفتم: نمی دانم. آن حضرت فرمود: من به تو خبر دهم که هر کس فرمان خدا برود و خدای را از راهش بخواند، خدای اجابت او کند. گفتم: راه دعا چیست؟ فرمود: به سیاس خداوند آغاز کنی و نعمت های او را به یادآوری و شکر او بگذاری، آن گاه درود بر نبی صلی الله علیه و آله و آل او فرستی و گناهان خویش برشماری و به آنها اقرار کنی و آمرزش خواهی این راه دعا کردن است. آن گاه فرمود: آیت دیگر کدام است؟ گفتم قول الله عزوجل: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» الی آخر الحديث.

در روایت از حضرت علی بن الحسین علیه السلام آورده است، در اقسام ذنوب که فرمود: آن گناهان که دعا را رد می کند و مانع اجابت می شود: نیت زشت است و ناپاکی سرشت و نفاق با بردارن و باور نداشتن استجاب دعا و دیر انداختن نماز واجب از وقت. و در همین روایت، انواع دیگر گناهان را تفسیر کرده است که بعضی در دعای کمیل نیز وارد است.

مناسب آمد چند جمله از آن را در این جا نقل کنیم: در تفسیر «تَغْيِيرُ النِّعَمِ» فرمود: آن گناهان که نعمت ها را تغییر می دهد، ستم کردن بر مردم است و ترک عادت نیکو و احسان، و کفران نعمت و شکرنا کردن و در «قَنْزُلِ النِّعَمِ» یعنی آن گناهان که نعمت می بارد، فرمود: آن که خدا را شناسد و

نافرمانی او کند و دیگر خویش را، برتر از دیگران دانستن و آنان را استهزا کردن؛ و گناهانی که پرده می‌درد «تهتك العصم» شراب خوردن و قمار باختن و به کارهای مضحک پرداختن و لغو و مزاح کردن و عیوب مردم گفتن و با مردم ناصالح همنشین شدن؛ و آن گناهان که بلا می‌آورد، به داد بیچارگان نارسیدن و کمک مظلوم نکردن و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردن. «و الذنوب التي تقطع الرجاء» آن گناهان که امید را قطع می‌کند، یأس از رحمت خداوند نو میدی از بخشایش او و به غیر خداوند اعتماد کردن و وعده او را دروغ شمردن است، و آن گناهان که باران را باز می‌دارد، آن است که قضات در احکام خویش عدل نکنند، و دیگر شهادت دروغ گفتن و شهادت حق را پنهان داشتن، و زکات و قرض ندادن، و از عاریت دادن اسباب خانه دریغ داشتن، با تهی دستان و نیازمندان دل سختی نمودن و بر کودک بی‌پدر و زن بی‌شوهر، ستم کردن و گدا را راندن و شبانه از در خانه بازگردانیدن، نعوذ بالله من ذلك بلطفه و کرمه. (انتهی ملخصاً)

مقدمه

باری اولیای خدا یعنی ائمه دین، در مقام ولایت و اتصال و قرب الهی، از هر چیز که در آن عالم است با خبر بودند و بر هر چیز به قدرت او قادر، و دعای آنان هر چه می‌خواستند مستجاب می‌شد. و دیگران که مقام ولایت ندارند، شاید کم و بیش از عالم معنی بی‌نصیب نباشند. گاهی در عالم رؤیا به وجهی مظنون و مبهم که از آن عالم آگاه می‌گردند و خوابی قابل تعبیر بینند و دعای آنان در جزئیات مستجاب شود و اولیای خدا اسم اعظم دارند و هر چه بخواهند همان واقع شود و هر چه بینند، به وجه علمی و روشن و مفصل بینند. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام بسیاری از اخبار آینده را بیان کرد و در کتاب‌ها پیش از وقوع نوشتند و سال‌ها پس از تألیف کتاب، آن قضا یا واقع شد، مانند خبر از آمدن هلاکو که پیش از او در نهج البلاغه ثبت افتاد. و مثل آن که در مروج الذهب که در حدود سال سیصد هجری تألیف شده است، سیصد و پنجاه سال پیش از انقراض خلافت عباسیان، از ابوبکر بن عیاش روایت می‌کند:

در اواخر مائه دوم که چون هارون الرشید از سفر حج باز آمد، ابوبکر در مسجد کوفه گفت: پس از هارون کسی از ملوک بنی‌العباس به حج موفق نگردد، کسی گفت: یا ابابکر این را به نجوم و وهم گویی یا وحی؟ گفت: به وحی گویم: روای پرسید: وحی بر خود شما آمد؟ ابوبکر گفت: نی وحی بر پیغمبر ﷺ آمد و این مرد مقتول در این مکان خبر داد و اشارت به مقتل امیرالمؤمنین علی علیه السلام کرد.

اکنون بنگر چنین خبری که به قرائن ظاهری باور کردنی نیست، چگونه ابوبکر بن عباس که از همد زهاد و اعلم قراء زمان خود بود، به قطع و یقین گفت، پانصد سال پیش از انقراض بنی‌العباس و سیصد و پنجاه سال پیش از آن در کتاب‌ها نوشتند.

اما این که باور کردنی نیست، چون تعقل نمی‌شود، در این مدت کسانی که خود را جانشین پیغمبر ﷺ می‌دانند و دولت آنها به تمام معنی دینی و اسلامی بوده است، به یکی از فرایض که شعار دهن مبین است، موفق نگردند و راستی چنان شد که پس از هارون هیچ خلیفه‌ای نتوانست به حج رود. و امثال این در اخبار غیبت ائمه علیهم السلام بسیار باشد. ائمه علیهم السلام این گونه با عالم غیب رابطه داشتند، هزاران برابر بیش از آن چه برای دیگران میسر است. اجابت دعای آنان نیز هزاران برابر بیش از آن بود که ما توقع استجاب از خدا داریم. و اگر ما عین عبارات آنها را بخواهیم و دعاها مستجاب شده آنها را تکرار کنیم، امید اجابت به حرمت ائمه دین بیشتر است. و الله الهادی الی سبیل الرشاد و مجیب دعوات العباد.

اما چنان که گفتیم شرط بزرگ دعا، حسن ظن به خداوند و توجه قلب و خضوع و خشوع است و اگر کسی در خویش فتوری بیند، باید به علاج روحانی، بیماری خویش را بهبودی بخشد. چنان که در روایت سعید بن یسار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمود: «رغب» چنین است و باطن کف دست سوی آسمان نمود، و «رهبت» چنین است، پشت دست جانب آسمان کرد و «تضرع» چنین است و انگشتان را به راست و چپ حرکت داد:

«بتل» چنین است و انگشتان را یک بار بالا برد و بار دیگر پایین آورد، «ابتها» چنین است و دست‌ها را کشیده مقابل روی نگاه داشت و فرمود: ابتهال منما تا اشک تو روان گردد. (انتهی)

چنان که امام علیه السلام فرمود: حالات نفسانی، در ظاهر اعضا آثاری دارد که انیت آن معلوم است و علت آن مجهول، چنان که از حرکات جوارح مردم توان دریافت که در قلب آنها چیست. و صورتگران و نقاشان استاد، بر این امور واقفند و هر چه ماهرتر باشند، بهتر به کار می‌برند: در ترس رنگ از رخساره می‌پرند و چشم از حدقه بیرون می‌جهد و از آن جانب که می‌ترسی دست فرا می‌داری و روی می‌گردانی و در تأسف و تحسر سر را به راست و چپ حرکت می‌دهی و در تعجب ابروها را بالا می‌بری و چین به پیشانی می‌افکنی و سر به زیر می‌اندازی و چون بر رازی آگاه شدی و چیزی پوشیده را دریافتی، سر را به بالا و پایین حرکت می‌دهی و هکذا.

و امام علیه السلام آن حالات نفسانی که در توجه به خالق معتبر است نام برد و علائم ظاهری آن را بیان فرمود که اگر کسی در این حالات قوی نباشد به این حرکات آن را در خود ایجاد کند، هم چنان که اگر ابتدا تضرع و خشیت در قلب ظاهر شود، نوعی آثار و نشانه‌ها در بدن پدید آید، همچنین به آن حرکات که امام علیه السلام فرموده، چون مکرر شود، هم این حالات تضرع و خشیت در قلب پدید آید. و الله العالم و این معنی را در حواشی ارشاد گفته‌ایم.

دعای مله‌حون و غیر ماثور

خواندن دعایی که از امام علیه السلام منقول نباشد حرام نیست، خواه انسان از خود بسازد، یا ساخته‌های دیگران را بخواند و هر دعا که به طریق ضعیف و اسناد سست روایت کنند، به قصد قربت مطلق توان خواند، نه به قصد ورود و خصوصیت، و آن ثواب که برای دعا مذکور است، به خواننده آن می‌دهند، هر چند واقعاً از معصوم نباشد. این معنی هم در روایات شیعه آمده است و هم در روایات اهل سنت.

اما آن که عبارتش از جهت عربیت غلط است، در روایت از حضرت امام جواد علیه السلام مروی است که فرمود: از میان دو مرد که در دین و فضائل برابر باشند، برتر نزد خداوند آن باشد که در علم ادب ماهرتر بود، راوی گفت: گفتم: فدای تو شوم، فضل ادیب را نزد مردم دانستم که در مجالس و مجامع او را گرامی دارند، اما نزد خدای تعالی چگونه است؟ فرمود: چون ادیب قرآن را چنان که نازل شده است می‌خواند و دعا را هم لحن نمی‌آورد و غلط نمی‌خواند و دعای ملحون سوی خداوند تعالی بالا نرود. (انتهی)

گویا مراد از بالا رفتن دعا سوی خداوند، غیر از استجاب و ثواب است، قبول و پسندیده بودن و کمال و مرتبت داشتن، اجرای دارد زاید بر اصل دعا، و ابن فهد حلی رحمته الله گوید: کلام امام علیه السلام در بیان مدح و فضیلت است، نه اشراط و توقف.

سخن آیه الله مرعشی نجفی

از فوائد علامه متبحر جامع فنون العلم سید العلماء المحققین حضرت مستطاب حجة الاسلام آیه الله الحاج سید شهاب الدین المرعشی النجفی ادام الله ایام افاضاته و متع الله المسلمین بطول بقائه تيمناً و تبرکاً و تکثیراً للفائده، در این مقدمه ثبت افتاد:

قال مدّظله: «وليعلم أنها اشتهرت بالکامله لأنها نسختان: الصغرى تقرب من نصف هذه و هي عند الزيديه و هذه هي الكبرى».

باید دانست که این صحیفه را کامله گفتند، چون دو نسخه است، یکی خردتر، نزدیک به نصف این نسخه که در دست ما است و آن نزد زیدیه معروف است و این نسخه که ما داریم نسخه بزرگ‌تر است.

و منها قوله مدّظله: «اختلف فی قائل حدثنا قال المحقق الداماد انه عميد الرؤساء هبة الله و قال شيخنا البهائي انه ابن السكون و عن بعض المحشين انه الشيخ نجم الدين جعفر بن محمد بن نما و عن آخره الشيخ عربي بن مسافر و عن آخره فحل الفقها ابن ادریس و قيل غير هذا و علی ای حال فكل من الثقة الاجلاء».

اختلاف است که گوینده «حدثا» در اول صحیفه که بود؟ محقق داماد گفت: وی عمید الرؤساء هبة الله است و شیخ بهائی گفت: این سکون است و از یکی از محشیان نقل کرده اند که وی شیخ نجم الدین جعفر به محمد بن نما است و از دیگری نقل است که او شیخ عربی بن مسافر و از دیگری که فقیه بزرگ محمد بن ادریس است. و اقوال دیگر هم گفته اند، به هر حال همه از ثقات و بزرگانند.

شروح و حواشی و کتب متعلقه به صحیفه

- ۱- حاشیه فیلسوف الاسلام، المحقق الداماد الحسینی المرعشی.
- ۲- حاشیه العلامة المکثر، الفیض الکاشانی.
- ۳- حاشیه العلامة فی جل العلوم شیخنا البهائی، سماها الحدیقة الهالیه فی شرح الدعاء الثالث و الأربعین من الصحیفه المبارکه.
- ۴- ریاض العابدین، للعلامة بدیع الزمان القهائی، الشهیر بالبذیع الهرندی و کان شیخ الاسلام ببلدة یزد و من تلامیذ شیخنا البهائی.
- ۵- شرح المولی محمد صالح بن محمد باقر القزوینی الروغنی.
- ۶- شرح المولی محمد سلیم الرازی، من تلامیذ سلطان العلماء علاء الدین السید حسین الحسینی المرعشی الشهیر و قد فرغ منه ۱۰۶۹.
- ۷- شرح الشیخ علی الصغیر بن الشیخ زین الدین بن محمد بن صاحب المعالم، صاحب الحاشیه علی الکافی، التي فرغ منها سنة ۱۰۸۵ و هو ابن أخ الشیخ علی صاحب الحاشیه علی شرح اللمعه.
- ۸- شرح ریاض السالکین، للعلامة السید علیخان الحسینی المدنی.
- ۹- شرح صاحب ریاض العلماء مولانا العلامة المیرزا عبدالله افندی.
- ۱۰- شرح السید محسن الصنعانی الزیدی، من علماء القرن الثالث عشر.
- ۱۱- شرح السید محسن الشامی الزیدی.
- ۱۲- شرح السید جمال الدین الکوکیانی الزیدی، المتوفی ۱۳۳۹.
- ۱۳- شرح ابن فتاح الزیدی.

١٤- شرح العلامة الساذ الميرزا محمد على الجهاردهى الجيلانى النجفى،
المتوفى ١٣٣٤.

١٥- شرح العلامة الميرزا جمال الدين محمد بن محمد رضا القمى
المشهدى ابن اسماعيل بن جمال الدين، صاحب تفسير كنز الدقائق،
يروى عن صاحب البحار.

١٦- شرح العلامة المير هاشم الحسينى القمى، من علماء اواخر الصفويه.

١٧- شرح العلامة السيد نصيرى الحسينى المرعى الحائرى.

١٨- شرح الكفعمى الشهير.

١٩- حاشية العلامة المولى محمد طاهر القمى شيخ الاسلام ابن المولى
محمد حسين الشيرازى، المتوفى ١٠٩٨.

٢٠- حاشية العلامة الطريحي، صاحب مجمع البحرين، المتوفى ١٠٨٥.

٢١- حاشية العلامة السيد شرف الدين الشولستانى الحسينى النجفى، شيخ
العلامة المجلسى.

٢٢- حاشية العلامة الشيخ حسين بن عبد الصمد، والد شيخنا البهائى.

٢٣- حاشية المولى مهدي البايى التبريزى، نزيل كربلا، من تلاميذ شيخنا
الانصارى، ادر كته و قد طعن فى السن فاستجرت عنه تيمناً و تبركاً و
كان يقول انى أروى عن الشيخ و هو عن المولى محمد سعيد القرجه
داغى الدينورى و هو عن الوحيد فان كان كذلك فهو اعلى طريق الى
الوحيد البهائى فى هذا العصر. و له شرح على خطبة مولانا الزهراء.

٢٤- حاشية السيد عبدالله حفيد سيدنا الجزائرى، المتوفى ١١٧٣.

٢٥- حاشية السيد بهاء الدين محمد المختارى النائينى.

٢٦- شرح المولى محمد، الشهير بالمولى عبد الباقي.

٢٧- شرح العلامة السيد افصح الدين الشيرازى النجفى، صاحب شرح
نهج البلاغه.

٢٨- شرح العلامة الآخوند ملا حبيب الله الكاشانى.

۲۹- الازهار اللطيفة في شرح مفردات الصحيفة، للعلامة السيد محمدرضا الاعرجي.

۳۰- شرح المفتي السيد محمد عباس التستري الهندي المتوفى سنة ۱۳۰۶.

۳۱- شرح آقا حسين بن الحسن الديلماني الجيلاني.

۳۲- التبصرة و هو تفسير الكواشي هو موفق الدين ابوالعباس أحمد بن

يوسف بن حسن بن رافع بن حسين بن سودان العباسي الشيباني

الموصلی، المتوفى سنة ۶۸۰، المخطوط في كتب المشكوة في جزئين.

و للصحيفة ملحقات، منها الادعية التي الحقها العلامة المجلسي من رواية

الكفعمي و شيخ الطائفة.

اسناد صحيفه شريفه

بياري از علما گویند: صحيفه شريفه از كتب مشهوره و متواتره است كه

حاجت به اسناد ندارد، اما البته تواتر هيچ كتابي مانند تواتر قرآن كريم نيست،

چون همه الفاظ و حروف قرآن، بلكه حرركات و اعراب آن نيز متواتر است. و

آن عنايت و توجه كه به ضبط قرآن بود از اول ظهور اسلام تا كنون، به هيچ

كتاب ديگر نبود. مثلاً معلوم است در چند موضع قرآن حرف تاء را مانند سنت

و رحمت به تاء كشيده نوشتند و چند موضع به هاء و در چند جا «فيما» را

متصل نوشتند و در چند جا منفصل و يك جا «شي» را به الف نوشتند «شاي».

الي غير ذلك و اين گونه تواتر در غير قرآن كريم متوقع نباشد.

نسخ صحيفه در الفاظ و عبارات و زياده و نقصان و تقديم و تاخير

كلمات، اختلاف بسيار دارد و هيچ يك قاذح در تواتر اجمالي آن نيست، با

اين حال تيمناً و تبركاً اسناد بايد ذكر تا از ارسال بيرون آيد و به مسانيد پيوندد.

و چون سلسله اجازات، نوعاً به شيخ شهيد محمد بن مكّي رحمته الله منتهي مي شود،

سلسله اسناد تا شيخ معظم كه مشتمل بر شيخ بهاء الدين عاملي و سيد محمد

باقر داماد و فيض كاشاني و سيد عليخان باشد، ذكر مي كنيم، چون از حواشي

آنان بسيار اقتباس كرديم:

مقدمه

این بنده ابوالحسن بن محمد بن غلامحسین الطهرانی روایت می کنم: صحیفه مبارکه و سایر اخبار و روایات معصومین علیهم السلام را از شیخ عالم فقیه محدث رجالی الحاج الشیخ محمد محسن الطهرانی، صاحب الذریعه، از محدث ماهر متبع حفظة المتأخرین الحاج میرزا حسین النوری رحمته الله، از عالم متفقه متبحر جامع العلوم العقلية والنقلية الشیخ عبدالحسین الطهرانی رحمته الله، از سید فقیه متبحر السید جواد العاملی صاحب مفتاح الکرامة، از شیخ الاصولین المشهور بالوحید آقا محمدباقر البهبهانی، از والدش محمد اکمل، از محدث بارع متبحر محمدباقر المجلسی رحمته الله، از سید ادیب لغوی فاضل و حکیم کامل جامع الفضائل السید علیخان المدني الهندی شیرازی رحمته الله صاحب الشرح، از شیخ فاضل شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی، از شیخ فاضل الشیخ حسام الدین الحلبی، از شیخ اجل المجتهدین و بحر العرفان و یقین الشیخ بهاءالدین محمد العاملی رحمته الله.

و هم به روایت مجلسی، از عالم جامع بین العقل و العرفان و النقل و الوجدان و الروایة و الدراية مولانا محمد محسن الفیض الکاشانی قدس سره، از استاد الحکماء و الفلاسفة المتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی قدس سره، از شیخ محقق بهاءالدین عاملی، از والدش عالم بارع حسین بن عبدالصمد الحارثی العاملی، از سید حسین بن جعفر حسینی کرکی، از شیخ جلیل علی بن عبدالعالی میسی، از شیخ امام شمس الدین الجزینی المعروف به ابن المؤذن، از شیخ ضیاء الدین علی بن السعید شمس الدین محمد بن مکی المعروف بالشهید.

و نیز صدرالمتألهین شیرازی قدس سره روایت می کند از سید محقق اعلم المتأخرین جامع فضائل المتقدمین سید محمد باقر داماد قدس سره، از شیخ عالم فقیه متبحر عبدالعالی بن علی الکرکی، از پدرش شیخ محقق مروج المذهب علی بن عبدالعالی کرکی، از شیخ علی بن هلال جزایری، از شیخ فقیه زاهد ابن فهد الحلی، از شیخ فاضل مقداد السیوری عن مشایخه الی الائمة المعصومین علیهم السلام.